

عوامل و موانع جذب مردم به ویژه نوجوان و جوانان به مساجد

فاطمه تویسرکانی راوری

چکیده

این مقاله با ارایه گزارشی درباره پژوهش‌های میدانی صورت پذیرفته در مورد موضوع در داخل و خارج کشور موانع جذب را به موانع فردی، خانوادگی، اجتماعی و امور مربوط به مساجد دسته‌بندی و در مورد هر یک توضیحاتی را مطرح ساخته است و در پایان تحت عنوان چگونگی می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟ از برنامه‌ریزی تک‌ریم نوجوانان و جوانان، مسؤولیت سپاری و تشویق سخن به میان آورده و پیشنهاداتی را مطرح ساخته است.

مقدمه

از صدر اسلام تا امروز مساجد جایگاه بسیار مهم برای نشر اندیشه‌های ناب اسلامی و تقویت و توسعه‌ی آیین پاک محمدی بوده‌اند. از ابتدای شروع نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲ ش تا زمان پیروزی انقلاب، مساجد تأثیری فراوان در جذب جوانان برای پیوستن به انقلاب داشته و در حقیقت، انقلاب اسلامی از مساجد آغاز و به جامعه کشیده شده است. در دوران جنگ تحمیلی نیز مساجد پایگاه مهم بسیج مردم و اعزام آنان به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل برای دفاع از انقلاب، اسلام و ایران بودند. اما امروز مشاهدات تجربی نشان می‌دهد که حضور در مساجد در قیاس با دوران انقلاب و سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب، کاهش یافته است. حال این سؤال پیش می‌آید که چرا مساجد خلوت شده است؟ چرا مردم مخصوصاً نوجوانان و جوانان از سخنرانی‌ها و کتابخانه‌های مساجد و مراسم دعای آن استقبال پرشوری ندارند؟

هرچند نباید ترفندهای دشمن و برنامه‌ریزی آن‌ها برای اختلاف بین مساجد و مردم و به‌ویژه نسل جوانان را از نظر دور داشت، چرا که آن‌ها به روشنی دریافته‌اند که مساجد از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های انقلاب و عاملی مهم در تقویت اندیشه‌های دینی و اسلامی است. از همین مساجد است که جوانان سلحشور مؤمن و مسلمان به پا می‌خیزند و برضد زیاده‌طلبی‌ها و زورگویی‌های ظالمان و مستکبران قیام می‌کنند و حفظ انقلاب اسلامی به زنده بودن و شور و نشاط مساجد بستگی دارد. اما این نکته هم نباید فراموش شود که ما نیز نتوانسته‌ایم برنامه‌های اساسی مبتنی بر روش‌های علمی و هماهنگ با خواسته‌ها و نیازهای نسل نوجوان طراحی و یا شرایط تحقق آن‌ها را فراهم کنیم. در این مقاله سعی شده است ضمن مروری بر تحقیقات انجام شده در این خصوص، عوامل و موانع جذب مردم به ویژه نوجوانان و جوانان به مساجد را مطرح و پیشنهادهایی برای جذب آنان ارائه گردد.

مروری کوتاه بر تحقیقات انجام شده

سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۴ ش در مطالعه‌ای نظری به بررسی علل کاهش حضور مردم در مساجد پرداخته است. مبنای نظری این مطالعه دیدگاه کارکرد گرای است. در این تحقیق - که فاقد هرگونه بررسی تجربی است - از تغییر نیازهای مردم و نداشتن تناسب کارکردهای مسجد با نیازهای فعلی مردم به عنوان علل خلوت بودن مساجد در حال حاضر یاد شده است. این سازمان هم‌چنین در تحقیقی که در سال ۱۳۷۶ ش در تهران انجام داده است؛ به بررسی مسئله حضور جوانان در مسجد، وضع مساجد موجود از دیدگاه جوانان و نگرش جوانان درباره‌ی مسجد پرداخته است، این تحقیق که از نوع تحقیقات توصیفی است، به‌روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه بر روی یک نمونه‌ی ۶۵۰ نفری شامل جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله صورت گرفته است. طبق یافته‌های این تحقیق، با افزایش سن و میزان تحصیلات از میزان حضور در مساجد کاسته شده است. در مجموع میزان رفتن والدین به مسجد بر میزان حضور جوانان تأثیری مثبت دارد و مردان بیش از زنان در مساجد حضور می‌یابند. (۶۶/۶ درصد برابر ۶۱ درصد) در مجموع بیش از چهل درصد پاسخ‌گویان به مسجد نگرشی منفی دارند و به موازات افزایش سطح تحصیلات این نگرش منفی نیز افزایش می‌یابد. صدا و سیما جمهوری اسلامی در یک نظرسنجی با عنوان «مسجد پایگاه تحقیق و نوسازی معنوی» (۱۳۷۶) به سنجش نگرش جوانان تهرانی درباره‌ی مسجد، حضور در مسجد و نارسایی‌های مسجد پرداخته است. این تحقیق که از نوع توصیفی است

به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه بر روی ۶۵۰ تن جوان تهرانی که به عنوان افراد نمونه انتخاب شده‌اند، صورت گرفته است، نتایج این تحقیق حاکی از این است که حدود بیست درصد آن‌ها به ندرت به مسجد می‌روند و سی درصد هیچ‌گاه به مسجد نمی‌روند. هم‌چنین این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات میزان حضور افراد در مسجد کاهش یافته است، دختران هم کمتر از پسران به مسجد می‌روند. ایوان یازیک و آدبرث لومیس در سال ۱۹۸۲ م مطالعه‌ای درباره‌ی مساجد در امریکا انجام داده‌اند. در این تحقیق که گزارش آن در قالب کتابی با عنوان «گسترش ارزش‌های اسلامی در ایالات متحده امریکا» (۱۳۷۱) منتشر شده است، محققان مذکور، فعالیت‌های پنج مسجد از سه ناحیه‌ی امریکا شامل نیویورک، میدوست و سواحل شرقی را مطالعه کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سن و میزان مشارکت در فعالیت‌های مسجد رابطه‌ای معنادار دیده می‌شود. بدین ترتیب که جوانان بیشتر از افراد مسن به مسجد می‌روند و هم‌چنین افراد متأهل بیشتر از مجردین در مسجد حضور می‌یابند. (پژوهشگران فرهنگ: ۱۳۷ و ۱۳۸)

آقای عباس کردستانی در تحقیقی که با عنوان «عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان» در سال ۱۳۸۲ ش و بر روی یک نمونه نهمصد نفری از جوانان شانزده تا ۲۵ سال در ده سال شهر این استان انجام داده به نتایج جالب توجهی رسیده است.

نتایج توصیفی حاصل از این پژوهش و نهمصد پرسش‌نامه‌ی معتبر تکمیل شده نشان می‌دهد:

میانگین سنّی جمعیت نمونه ۱۹/۵ سال و میانگین میزان تحصیلات ۱۱/۶ سال است. از کلّ جمعیت نمونه (نهمصد تن) ۱۷/۲ درصد فاقد ارتباط با مسجد هستند. ۶۹ درصد دارای ارتباط پایین (۲۶۵ بار تا ۷۳۰ بار در سال) و فقط ۲/۸ درصد در حد بالا (۷۳۱ بار تا ۱۰۹۵ بار در سال) ارتباط داشته‌اند. میانگین میزان حضور سالانه‌ی افراد در مسجد ۲۱۷/۶ بار است که با متوسط میزان مورد انتظار، یعنی ۷۳۰ بار در سال فاصله‌ی فراوانی دارد و بیانگر پایین بودن میزان ارتباط جوانان جمعیت نمونه با مسجد است.

وی در جمع‌بندی خلاصه یافته‌های تحقیق چنین نتیجه می‌گیرد:

طبق نتیجه‌ی به دست آمده، هرچه افراد نگرش موافق‌تری در باره استفاده‌ی ابزاری از مسجد داشته باشند، میزان ارتباطشان با مسجد بیشتر خواهد بود و گرایش دینی عرفی نیز از طریق همین متغیر و به صورت غیر مستقیم بر میزان ارتباط با مسجد تأثیری مثبت دارد؛ اما در عوض هرچه دین داری فرد جدیدتر باشد، میزان ارتباط وی با مسجد پایین‌تر خواهد بود. البته عکس این نتیجه صادق نیست. یعنی دین‌داری سنتی فاقد تأثیر معنادار بر میزان ارتباط با مسجد است. میزان ارتباط با نهادهایی که ما از آن‌ها به نام نهادهای رقیب مسجد یاد می‌کنیم، تأثیری مثبت بر میزان ارتباط فرد با مسجد دارد و در واقع، نوعی رابطه‌ی خطی میان این دو برقرار است. یعنی نهادهایی هم چون حسینیه، نمازخانه، مهدیه و امثال آن به علت آن که کارکردهایی مشابه مسجد دارند، در جامعه‌پذیری دینی افراد، به ویژه جوانان تأثیری انکارناپذیر و ماندگار دارند و هم‌چنان که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، هرچه افراد با این نهادها بیشتر ارتباط داشته باشند، میزان حضورشان در مسجد نیز بالاتر خواهد بود. فقدان نهادهای مشابه مسجد فقط موجب حاضر نشدن افراد در مراسم مذهبی می‌شود، اما چنین نیست که اگر فردی به نهادهای مشابه مسجد نرفت، لزوماً به مسجد خواهد رفت. سطح تحصیلات از طریق متغیر نوع دین‌داری - دین داری مدرن - بر متغیر وابسته تأثیر گذار است. به این ترتیب که هرچه سطح تحصیلات فرد بالاتر باشد، دین‌داری وی مدرن‌تر خواهد بود و هرچه دین‌داری فرد مدرن‌تر باشد، میزان ارتباط وی با مسجد محدودتر خواهد بود.

این پژوهشگر هم‌چنین در مقایسه‌ی نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین می‌گوید:

نتیجه‌ی به دست آمده درخصوص تأثیر منفی سطح تحصیلات بر میزان ارتباط با مسجد با نتیجه‌ی به دست آمده در تحقیق سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۷۶ ش) هم‌خوانی دارد. طبق تحقیق مذکور با افزایش سطح تحصیلات میزان حضور افراد در مسجد رو به کاهش می‌گذارد. چون سطح نیازهای آنان بالا می‌رود و نیازهای آنان را برآورده نمی‌سازد.

نتایج این پژوهش مبین آن است که جو اجتماعی - فرهنگی حاکم بر مساجد باید تغییر پیدا کند تا جوانان رغبت و انگیزه‌ی بیشتری برای حضور در این پایگاه‌های معنوی پیدا کنند. این پژوهشگر معتقد است:

«تأثیر منفی دین‌داری مدرن بر میزان ارتباط با مسجد صرف‌نظر از ماهیت فرد گرایانه‌ی این نوع از دین‌داری از یک سو و محدود بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد از سوی دیگر مؤید این واقعیت است که جو اجتماعی - فرهنگی حاکم بر مساجد در حال حاضر چندان جوان‌پسند و مدرن نیست و قرانت سنتی و برداشت‌های انحصار گرایانه از دین، سلطه‌ای باز بر مساجد دارند. معنادار نبودن تأثیر دین‌داری سنتی بر حضور جوانان در مسجد علت روشن و قاطع بر این برداشت است. البته راه

برون رفت از این بن‌بست چنان که بسیاری تاکنون پیشنهاد کرده‌اند، تبدیل مساجد به مکان‌هایی برای تحقق فعالیت‌های عرفی جوان‌پسند از قبیل ورزش، رایانه، فیلم و غیره نیست، جوانان اگر خواهان بهره‌مندی از چنین خدماتی باشند، به سهولت می‌توانند نیاز خود را در بیرون از مسجد تأمین نمایند. به نظر می‌آید که جاذبه‌های مساجد برای جوانان نه از سنخ جاذبه‌های عرفی، بل از نوع جاذبه‌های معنوی‌ای هستند که قادرند خلأهای معنوی موجود زندگی در دنیای مدرن را به سادگی پر کنند».

البته به نظر من اگر جوان این‌گونه جاذبه‌ها را در مسجد پیدا کند، دیگر به سوی مکان‌های نامطمئن نمی‌رود و از همین طریق به مسجد علاقه‌مند می‌شود. (۱۳۸۳: از ۱۳۳ تا ۱۷۰)

در پژوهش دیگری که در زمینه‌ی برخی عوامل جذب جوانان به مسجد که با نظرخواهی از جوانان صورت گرفته، نتایج شایان توجهی به دست آمده است. در این تحقیق عوامل مورد نظر عبارت بودند از: امام جماعت، وضعیت ظاهری مسجد، کتابخانه‌ی مسجد، طولانی نشدن نماز جماعت، هیئت امناء و کانون فرهنگی مستقر در مسجد. نتایج به دست آمده از بین ۴۳۸ تن از جوانان مذهبی استان کرمان، پس از تجزیه و تحلیل آماری، نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق جوانان وضع ظاهری مسجد (نظافت، ساختمان و امکانات مورد نیاز) را مهم‌ترین عامل جذب خود به مسجد می‌دانند. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ویژگی‌های امام جماعت، کتابخانه، کانون‌های فرهنگی و هیئت امناء به ترتیب در درجه‌ی بعدی از اهمیت قرار دارند. درجه‌بندی عوامل مزبور از این قرار است:

۱. وضع ظاهری مسجد ۸۱/۱ درصد؛
۲. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ۷۲/۲ درصد؛
۳. امام جماعت مسجد، ۶۹/۸ درصد؛
۴. کتابخانه‌ی مسجد، ۵۵/۶ درصد؛
۵. فعالیت کانون‌های فرهنگی مساجد، ۵۴ درصد؛
۶. هیئت امناء مسجد، ۳۶/۶ درصد.

موانع و راه‌کارهای جذب نوجوانان و جوانان به مساجد
با بیان پیشینه‌ی برخی تحقیقات انجام شده می‌توان مهم‌ترین موانع جذب نوجوانان و جوانان به مساجد را به شرح زیر دسته‌بندی کرد و در هر زمینه به راه‌کارهای مناسب توجه کرد:

الف) موانع فردی؛
ب) موانع خانوادگی؛
ج) موانع اجتماعی شامل جامعه و محیط‌های آموزشی؛
د) موانع مربوط به مساجد.

الف) فردی
افزایش ناموزون جمعیت در دو دهه‌ی اخیر مشکلات فراوانی برای جامعه به وجود آورده است. امروز کشور ما یکی از جوان‌ترین کشورهای دنیا شرایط خاصی دارد. از يك سو جمعیت جوانان این کشور می‌توانند به عنوان نسلی بالنده، نقشی مهم در رشد و توسعه‌ی کشور ایفا کنند و از سوی دیگر ناتوانی در تأمین شرایط مناسب می‌تواند خسارات سنگین و جبران‌ناپذیری بر پیکره‌ی کشور وارد کند.

هرچند تاکنون در عرصه‌های گوناگون موفقیت‌های چشمگیر و ارزشمندی داشته‌ایم، اما باید این واقعیت را بپذیریم که غفلت از نسل جوان هم آسیب‌های فراوانی در ابعاد گوناگون پدید آورده است. این که بخش چشم‌گیری از تحصیل‌کردگان جوان ما در مقاطع گوناگون تحصیلی بیکار هستند یا نمی‌توانند ازدواج کنند و زندگی مناسبی داشته باشند و جز آن، تا حدی موجب سرخوردگی طبقاتی از نسل جوان شده است. همین امر سبب شده است که او در مواردی احساس پوچی کند و خود را فردی شکست خورده به حساب آورد و دچار یأس و ناامیدی شود.

جوانان، تمایل درونی دارند که هرچه بالقوه می‌توانند باشند، بشوند و استعدادهای درونی خود را شکوفا نمایند؛ که پیامد آن احساس رشد، بلوغ و سلامت روان خواهد بود. هرچند که ممکن است در این مرحله توفیق چندانی در خودشکوفایی نداشته باشند، اما نیاز آن را در خود احساس می‌کنند که بهره‌برداری کاملی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود بنمایند، به کمال برسند و هرکاری را به بهترین نحو ممکن انجام دهند.

نوجوان یا جوان که سرتسلیم در برابر هیچ کس فرود نمی‌آورد و برضد همه‌ی قدرت‌ها عصیان می‌کند، در درون متوجه ضعف‌ها و حقارت‌های خود است. عظمت، قدرت و بقا و دوام خود را در مذهب می‌بیند، فلسفه‌ی زندگی و حیات خود را در مذهب جست‌وجو می‌کند و در آن برای زندگی خویش می‌یابد. نوجوان می‌خواهد مذهب و مفاهیم مذهبی را شخصاً با نیروی عقل خود بررسی کند و حقایق را دریابد؛ بنابراین بسیاری از شک‌های مذهبی

نیز در همین مرحله برای او توصیه می‌شود که با یافتن پاسخ‌های مناسب راه تکامل خود را نیز می‌پیماید.

جوانانی که در زندگی هدف‌های مشخصی ندارند یا هدف‌های بسیار کوچکی را دنبال می‌کنند، غالباً در تزلزل و ناامنی به سر می‌برند؛ زندگی آن‌ها فاقد ارزش است، دائماً در حال افسردگی، یأس و ناامیدی هستند و احساس تنهایی و یوچی و بیچارگی به آن‌ها دست می‌دهد». (خدایاری فرد ۱۳۷۳: ۳۵)

این مشکلات و کمبودها از سوئی، هم سبب اثر پذیری نسل جوان از تبلیغات سوء دشمنان شود و بین آنها، انقلاب و روحانیت فاصله بیندازد. طبیعتاً این گروه از مساجد به عنوان پایگاه انقلاب و روحانیت فاصله گرفته‌اند.

از سوی دیگر هم با توجه به نبود شناخت کافی از اسلام و احکام دین و وجود زمینه‌ی مناسب در گروهی از افراد جامعه و انقلاب اسلامی، موجب برداشت غلط آنان از دین شده و به انحراف کشیده شده‌اند. وقتی نوجوان یا جوان در محیط‌های گوناگون اجتماع در مقابل شبهات و القائات فکری مکاتب و فلسفه‌ها و افراد گوناگون قرار بگیرد و جواب منطقی و مستدل نیز نداشته باشد، برای حفظ غرورش ناگزیر خود را بیگانه با مذهب معرفی می‌کند و با این روش بر احساس حقارت خود به سبب این ناتوانی‌ها در مقابل دیگران سرپوش می‌گذارد و اندک‌اندک به نفی مذهب کشیده می‌شود. (خدایاری فرد ۱۳۷۳: ۹۰)

ب) موانع خانوادگی

به اعتقاد بسیاری از بزرگان تعلیم و تربیت، «خانواده» نخستین مدرسه‌ای است که انسان در آن درس می‌آموزد و به عنوان نخستین پایگاه آموزش و پرورش و از اساسی‌ترین عوامل در تشکیل شخصیت کودک است. (نوابی‌نژاد: ۵۲)

دکتر غلامعلی افروز عقیده دارد:

«غالب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری استوار است و نخستین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری، کانون خانواده است، زیرا خمیرمایه‌ی شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و نگرش‌ها، رغبت‌ها، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند در برابر پدیده‌های گوناگون از خانه سرچشمه می‌گیرد». (افروز: ۱۲: ۱۳۷۱)

اگر والدین در قالب الگوهای کودک و نوجوان نگرش مطلوب و مثبتی به مساجد داشته باشند و آموزش دینی فرزندان خود را در قالب وظیفه‌ای اساسی تلقی کنند، قطعاً این گونه برخورد تأثیر بسیاری در رفتار کودک و نوجوان خواهد داشت. پدر و مادری که به مسجد می‌روند و فرزندان خویش را از همان دورانی که در مجالس و محافل مذهبی همراهی می‌کنند، سبب تقویت احساس پرورش مذهبی در آینده‌سازان جامعه می‌شوند. این کار به صورت عاداتی مطلوب و پسندیده در می‌آید. در صورت تحقق سایر شرایط می‌توان امیدوار بود که فرزندان چنین خانواده‌هایی در آینده افرادی شایسته، با روحیه‌ی مذهبی قوی و علاقه‌مند به دین بار بیایند.

استاد شهید مرتضی مطهری در باره نقش مساجد و مجالس مذهبی در تشویق عبادی کودکان می‌گوید:

«بچه را باید در محیط نماز خواندن برد. اگر در جمع نباشد، نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود. چون اصلاً حضور در جمع مشوق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند، کودک که بیشتر تحت تأثیر است. متأسفانه کم رفتن ما به مساجد و مجالس دینی و این که کودکان کمتر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، ولی این برای شما (والدین) وظیفه است... باید ما به عبادت پیدا نکنند، ولی این برای شما (والدین) وظیفه است... باید ما بچه‌های خودمان برنامه‌ی مسجد رفتن داشته باشیم تا بچه‌ها با مساجد و معابد آشنا شوند. ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم در این اوضاع و احوال امروز چه قدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما که هفت‌ساله شده‌اند به دبستان و بعد به دبیرستان بعد به دانشگاه رفته‌اند، ولی اصلاً پایشان به مساجد نرسیده است، بروند... خوب، این‌ها قهراً از مسجد فراری می‌شوند». (مطهری ۱۳۶۶: ۹۹ و ۱۰۰)

بنابراین باید این نکته مدنظر باشد:

«وقتی انسان عملی را به طور مستمر تکرار کرد به تدریج با آن خو می‌گیرد و حالتی در نفس به وجود می‌آید که اصطلاحاً عادت نامیده می‌شود». (امینی: ص ۸۸)

علاوه بر پیش گفته، نوع برخوردی هم که خانواده با دین و ایمان به خدا دارند در نگرش فرزندان مؤثر است. بسیاری از دانشمندان نیز به این موضوع اشاره داشته‌اند، ایمان یکی از ارزش‌های مهم نفسانی است که پرورش آن باید جزو برنامه‌ی مربیان قرار گیرد.

لاک می‌گوید:

«کودک از دوران طفولیت باید تصورات دقیق و صحیحی از خداوند که نسبت به ما مهربان است و کلیه‌ی مایحتاج ما را فراهم می‌سازد، و در عین نیکی و لطف می‌باشد، داشته باشد هرگز نباید از خدا و موجودات ناشناخته بترسد. کودک به علت این که خدا نسبت به او مهربان است خدا را دوست خواهد داشت، و به زودی یاد خواهد گرفت که دست نیاز به سوی او دراز کند. بنابراین، پرورش ایمان و استفاده از آن را باید یکی از شیوه‌های مهم تربیتی محسوب داشت که اولیا و مربیان می‌توانند از آن بهره بگیرند.» (امینی: ص ۳۷)

هم‌چنین برخوردهای نامناسب و تعصب‌آمیز والدین که براساس انس و الفت و دوستی و محبت و هم‌چنین استدلال منطقی نباشد و نتواند بر اطلاع و آگاهی نوجوانان و جوانان تشنه‌ی حقیقت بیفزاید، آن‌ها را در ورطه‌ی گمراهی می‌افکند و به بیراهه‌ای می‌کشاند که نهایت آن ضلالت و گمراهی است.

ج) موانع اجتماعی

۱ - جامعه

آنچه موانع مشترک جذب جوانان به مساجد در مدرسه و اجتماع است که در خور توجه و جای تأمل و تعمق و بازنگری است، وجود دوگانگی و تناقض در گفتار و اعمال است که در جامعه شاهد اعمال و رفتاری است که مغایر تعالیم اخلاقی و دینی است. از جمله عواملی که بر روی نوجوانان و جوانان تأثیری منفی دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - ۱) دوستان ناباپی و معاشران ناصالح؛

۱ - ۲) آلوده بودن جو عمومی حاکم بر جامعه و محیط ناامن فکری و فرهنگی برای جوانان؛

۱ - ۳) کم‌رنگ شدن تدریجی معنویت در جامعه.

۲ - مدارس و محیط‌های آموزشی

کودکان و نوجوانان بخش چشم‌گیری از عمر خود را در مدارس و محیط‌های آموزشی سپری می‌کنند. مدرسه دومین محیط تربیتی است که تأثیر بسیاری در آموزش و رشد و شخصیت کودکان دارد. اگر عوامل تربیتی در مدرسه، به شایستگی وظایف خود را انجام دهند، می‌توان به سعادت و پیشرفت جامعه در آینده امیدوار بود. از جمله کارکردهای مدرسه تربیت مذهبی دانش‌آموزان است. برگزاری کلاس‌های دینی و فرهنگ اسلامی در طول دوران تحصیل، برگزاری نماز جماعت و آموزش‌های دینی در مدارس اگر به نحوی صحیح انجام شود، از جمله تلاش‌های ارزشمندی خواهد بود که می‌توان به آن امیدوار بود. علی‌رغم تأثیرات مثبتی که این اقدامات بر تقویت روحیه‌ی دینی برخی کودکان و نوجوانان داشته است، باز هم با دشواری‌های فراوانی مواجه هستیم. به تعبیر دیگر مدارس نتوانسته‌اند به شایستگی از عهده‌ی این رسالت عظیم برآیند. گاهی اوقات در مدارس و دبیرستان‌ها که تعلیمات دینی و بینش مذهبی و قرآن را آموزش می‌دهند به سبب فهم نشدن صحیح مطالب یا بی‌صلاحیتی معلم و یا ناتوانی، پاسخ دادن به سؤالات دانش‌آموزان، بدبینی به مذهب در آن‌ها تقویت می‌شود و نوجوان احساس می‌کند که درس دینی را خوانده و خوب فهمیده، اما چیزی نداشته است که او را جلب و جذب نماید و به درد زندگی او بخورد، و اصولاً دین و مذهب آرام بخش درون نیست، روح و فکر را به تعالی نمی‌رساند و پیاده کردن آن عملی نیست و اگر هم عملی باشد داروی مخدر است، انسان‌ها را تخدیر می‌کند و از حرکت و رفتن و جریان داشتن باز می‌دارد، و به سکون و رکود ماندن و پوسیدن و بل به عقب برمی‌گرداند. این است که او از چنین مذهبی رویگردان است و برضد آن طغیان می‌کند، و رسالت ریشه‌کن کردن مذهب را نیز به دوش می‌گیرد و از مسجد در قالب پایگاه دین دوری می‌کند. (خدایاری‌فرد ۱۳۷۳: ۹۱)

حال اگر مدارس ما توفیق لازم را به دست آورده بودند، این تأثیر را در سطح اجتماع هم شاهد بودیم و حضور دانش‌آموزان و جوانان در مساجد در سطح گسترده می‌توانست گویای آن باشد. متأسفانه واقع امر غیر از این است. ارتباط مساجد و مدارس بسیار کم‌رنگ است. اگر پیوند عمیق بین این دو نهاد آموزشی و تربیتی برقرار بود، امروز شاهد اوضاع بهتری بود.

د) عوامل مربوط به مساجد

۱ - امام جماعت

امام جماعت در هر مسجد عامل مهم در پیشرفت و ترقی مسجد به شمار می‌رود و چنانچه شرایط داشته لازم باشد، تأثیری به سزا در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به مساجد خواهد داشت. مهم‌ترین ویژگی‌های امام جماعت عبارت‌اند از: (رضایی: از ۳۳۱ تا ۳۳۳)

- ثابت بودن؛
- ابتکار و خلاقیت؛
- توانایی جسمی؛
- توانایی علمی و دارا بودن دانش لازم؛
- دوستی با جوانان و نوجوانان؛
- نظم؛
- احترام و تواضع؛
- درك موقعیت سنی جوانان؛
- بیان ساده و شیوا؛
- آراستگی ظاهری؛
- (توان) تهیه امکانات مالی.

هرچند همه این ویژگی‌ها، مهم و در جذب جوانان به مسجد مؤثرند، ولی چند مورد از آن به لحاظ اهمیت بیشتر توضیح داده می‌شود.

- توانایی علمی

طرز طرح مسائل مذهبی به نوجوانان و جوانان بسیار اهمیت دارد. امام جماعت ضمن احاطه‌ی علمی باید بداند چه مسائلی را در این دوره باید برای نوجوانان و جوانان گفت که از دین زده نشوند و در عین حال باید آن مسائل را با زندگی تطبیق داد. این موضوعات باید چنان دقیق عرضه شود که آن‌ها احساس کنند امور مذهبی در خور پیاده شدن در زندگی روزمره است و حتی می‌توانند گاهی نیازهای روانی خود را نیز با این امور برطرف نمایند. فقط موعظه کردن کافی نیست، بل باید مسائل دینی را با تجربه، علم و عمل توأم کرد.

- دوستی با جوانان و نوجوانان

جوان به فردی نیاز دارد که او را با همه‌ی افکار و تمایلات درونی و شور و عشق و حرکت درك کند و پاسخ‌گوی مجهولات و حلال مشکلات و محرم اسرار و مشاور و راهنمایش باشد. جوان به يك چنین فرد دلسوز و مهربانی نیاز دارد. وجود يك چنین یار مهربان و خیرخواه در تکمیل شخصیت و زندگی آینده‌ی او تأثیر شایانی خواهد ساخت و در مسائل مذهبی، امام جماعت می‌تواند بهترین دوست و تکیه‌گاه برای آنان باشد.

از جمله معضلات جوانان متدین آن است که دغدغه‌های فراوان معنوی دارند و اگر راهنمایی نشوند دچار افراط و تفریط و گاهی به انحراف کشیده می‌شوند. اگر مبلغان زمانی را برای این امر اختصاص داده و اعلان کنند که افراد می‌توانند مثلاً يك ساعت به غروب آفتاب هر روز برای مشاوره‌ی معنوی، عبادی به صورت فردی یا گروهی بنا بر میل خود مراجعه کنند، می‌توانند ضمن برقراری انس بیشتر با روحانی، زمینه‌ی اصلاح حرکت‌های خداجویانه‌ی مردم باشد.

برای دستیابی به نتایج مثبت، مبلغ باید ابتدا گوشه‌ی شنوا داشته و سنگ صبور باشد و بعد از شنیدن کامل سخنان و شناخت دقیق مشکل، به راهنمایی مردم با توجه به دستورات دینی بپردازد. در مواردی که مبلغ در راهنمایی خود با مشکل مواجه شد، باید به مراجعه کننده بگوید من درباره‌ی سؤال شما باید مطالعه کنم و سپس پاسخ شما را بگویم. (نبوی: ۶ و ۷)

- درك موقعیت سنی جوانان

در این زمینه امام جماعت باید با توجه به تمایزات فردی افراد برنامه‌های متناسب با سن آنان داشته باشد، و جلساتی در هر هفته يك بار ترتیب دهد تا با دعوت از افراد آگاه و صاحب‌نظر برای پاسخ دادن به سؤالات دینی، مذهبی و اجتماعی نوجوانان در مسجد پاسخ مناسب داده شود.

از احادیث استفاده می‌شود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نه فقط با کودکان، بل با عموم مردم به مقدار عقل و درکشان صحبت می‌کرد و به هنگام معاشرت و سخن‌گفتن خودش را در حد مستمعین تنزل می‌داد و بدین صورت دلشان را به دست می‌آورد. همین نکته را می‌توان از عوامل نفوذ در دیگران محسوب داشت. (امینی: ص ۳۰) که امام جماعت باید به آن توجه داشته باشد. در کنار همه‌ی این‌ها نقیض الگویی امام جماعت را نیز نباید از نظر دور داشت. در مباحث اخلاقی و روان‌شناسی بر تأثیر الگوها تأکید شده است. همان‌طور که الگوهای ناآگاه، ناتوان منحرف، شیخ را از وادی هدایت به قعر ضلالت می‌کشاند، الگوهای خود ساخته و پاک و آگاه تأثیر مطلوبی بر روی نوجوانان و جوانان داشته و آن‌ها را به سوی سعادت رهنمون می‌شوند. برای مثال چون وقتی صفت عدالت و دوری از گناه و پاکی و تعهد، از شرایط امام جماعت باشید، روشن است که جامعه و جمع اقتدا کننده را نیز در این مسیر، حرکت می‌دهد و ملاک‌های تقدم در کارها و مسؤولیت‌ها، همین‌ها می‌شود. (قرائتی: ۱۰۲)

۲ - هیئت امنا

هیئت امنای مسجد به صورت ارکان اصلی برنامه‌ریزی در مساجد نقش‌ی بسیار مؤثر در ایجاد زمینه‌ی مناسب برای جذب مردم به ویژه نوجوانان و جوانان دارند. اگر هیئت امنای سیاست‌های درست و اصولی اتخاذ کنند و در مسیر صحیح پیش بروند، می‌توانند با هماهنگی سایر عوامل، مسجد را به پایگاه مستحکم اعتقادی و فرهنگی تبدیل کنند.

هیئت امنای و مسؤولان و دست‌اندرکاران باید بدانند این مکان که پایگاه امید و توجه بندگان خداست؛ عنوان، سمت و ریاست نمی‌پذیرد. هر آنچه هست خدمتگزاری است، و براین خدمتگزاری باید افتخار نمود، همه‌ی مردم را باید با دید محبت نگریست و با آغوش باز از ایشان استقبال کرد و مشکلات آنان را با نهایت دقت و قدرت و احساس محبت انجام داد. (رازقی: ص ۲۲۰)

اگر این دیدگاه بر مساجد حاکم باشد، بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد. هیئت امنای باید با در نظر گرفتن همه‌ی جهات کار و دوراندیشی و برنامه‌ریزی، مساجد را به کانون‌های عبادت و بندگی و مراکز آموزش احکام الهی و معارف اسلامی و حرکت و جنبش در مسیر سعادت جامعه مبدل سازند. اینک خداوند در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی انفال می‌فرماید:

«ان اولیائہ الا المتقون».

«کسانی حق سرپرستی مسجد الحرام را دارند که موحد و پرهیزگار باشند».

اشاره به نکته‌ای بسیار مهم دارد. اگرچه این حکم درباره‌ی مسجد الحرام گفته شده است، ولی در واقع شامل همه‌ی کانون‌های دینی و مساجد و مراکز مذهبی می‌شود. «متولیان» و «متصدیان» آنان باید از پاک‌ترین و پرهیزکارترین و فعال‌ترین مردم باشند که این کانون‌ها را پاک و زنده و مرکز تعلیم و تربیت و بیداری و آگاهی قرار دهند، نه افرادی ناآگاه، ناتوان و متعصب و خدای نکرده آلوده که این مرکز را تبدیل به مکان‌هایی کنند که اندیشه‌ها را ساکت و راکد نگه دارد و موجب بیگانگی از حق و دوری نوجوانان و جوانان از اسلام گردد.

۳ - خادمان مسجد

این نکته‌ی مهم را باید پذیرفت که همه عوامل و دست‌اندرکاران مساجد در جذب یا دفع جوانان مؤثرند. هر چند شاید در ظاهر به این موضوع توجهی نشود و مثلاً نقش خادمان مساجد نادیده گرفته شود. تجربه نشان داده است که خادمان مساجد معمولاً افراد میانسال و سالخورده‌ای هستند که برخی هم در خصوص مسؤولیت خود، تعصبی خاص دارند. آنان علی‌رغم اینکه در اجرای پاره‌ای وظایف خود، به شایستگی عمل می‌کنند، در مواردی به سبب ناآگاهی از مسائل تربیتی و تغییرات و شرایط روز جامعه فضایی را پدید آورده‌اند که موجب دلزدگی نوجوانان و جوانان شده و آنان را از رفتن به مساجد باز می‌دارند. جالب است که حتی برخی از خادمان در مواردی برخلاف نظر هیئت امنای و حتی امام جماعت مسجد عمل می‌کنند. یک کار پژوهشی گسترده می‌تواند صحت یا سقم این موضوع را روشن کند. نمونه هیئت امنای یکی از مساجد تصمیم می‌گیرند پس از احداث ساختمان اصلی یکی از مساجد، ساختمان موقت قبلی را به محل ورزشی تبدیل کنند؛ با استقرار چند میز تنیس و پاره‌ای امکانات دیگر زمینه‌ی جذب شمار چشم‌گیری از نوجوانان و جوانان پدید می‌آید و معمولاً این افراد دو ساعت مانده به اذان در مسجد و پس از ورزش در مراسم نماز جماعت هم شرکت می‌کردند و در سایر فعالیت‌ها هم مشارکت داشتند.

یکی از اعضای هیئت امنای می‌گوید:

«یک روز اطلاع دادند که دیگر کسی اجازه‌ی بازی در مسجد ندارد، و وقتی موضوع را بررسی کردیم؛ دیدیم خادم مسجد تمام وسایل ورزشی را جمع کرده و در گوشه‌ای روی هم گذاشته است و فقط جمله‌ای که در پاسخ هیئت امنای گفته این بوده است که من حوصله‌ی سر و کله زدن با بچه‌ها را ندارم!».

بنابراین باید در انتخاب و گزینش خادمان مساجد با دقت بیشتری عمل کرد.

«خادمان باید در سنینی باشند که از شور و نشاط لازم برخوردار باشند و روحیه‌ی برخورد با تمام طبقات اجتماع را بروز دهند، چرا که خستگی روحی و پیری خادم بر اعصاب و روان او تأثیر می‌گذارد، از این‌رو شایستگی لازم برای اداره‌ی مساجد را ندارد و باعث گریز نوجوانان و جوانان از مسجد می‌شود». (رضایی: ۲۴۱)

۴ - یکی از موانع جذب افراد و به‌ویژه جوانان به مساجد نامناسب بودن فضای فیزیکی

و ظاهری مساجد و رعایت نکردن بهداشت و نظافت این مکان‌های مقدس است. انسان به‌طور طبیعی به سوی پاکیزگی و زیبایی تمایل فراوان دارند. فضای زیبا و مناسب می‌تواند در جذب افراد مؤثر واقع شود. در اسلام بر ساخت مساجدی که بیان‌گر عظمت و شکوه اسلام باشند، تأکید شده است و بر ارتفاع و برافراشتگی مسجد اجازه داده یا توصیه شده است.

«فی بیوت اذن الله ان ترفع».

هم‌چنین مسئله دیگری که عملاً در کلیه‌ی مساجد مراعات نشده است و وجه امتیازی در مقایسه با کلیسا و معابد ادیان دیگر است، روشنایی و دل‌بازی مسجد به طرف آسمان و طبیعت است. نور آفتاب و روشن بودن مکان مؤید پاکیزگی است. به علاوه طبق تشبیه مکرر قرآن که نور و ظلمت را معرف و هم‌طراز با هدایت و ضلالت می‌آورد و روشنایی تناسب و تأثیر ذهنی در جهت بینایی و هدایت‌خواهی دارد. مضافاً به این که قرآن خود را کتاب روشن آشکار و بی‌ابهام و کژی معرفی می‌نماید. (صالحی: ۲۰)

بهداشت و نظافت مساجد از جمله مواردی است که باید همواره مدنظر قرار گیرد. در قرآن علاوه بر شرایط اساسی و اصولی به بعضی شرایط به اصطلاح فنی یا فرعی نیز اشاره شده است. مهم‌تر از همه طهارت و پاکیزگی است. آیه‌ی ۱۲۵ سوره بقره:

«و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا للطائفین و العاکفین و رکع السجود».

مساجد ما متأسفانه مظهر خلاف آن است، بوی مستراح، هر عابری را که از کنار آن می‌گذرد، مشمئز می‌کند، بوی پا و جوراب و لباس کهنه که به استقبال وارد شوندگان می‌آید، طردشان می‌نماید، بو و دود سیگار که بدتر از قهوه‌خانه‌ها فضای مسجد را پر می‌کند، مشکلاتی که برای وضو گرفتن و تطهیر هست و فرش‌هایی که به واسطه‌ی پشمی بودن و سنگینی، مواد چربی و کثافات را در خود نگاه می‌دارد و شستشو و تعویض آن مشکل است. بنابراین هر قدر ساختمان و اداره‌ی مسجد مساعد برای نظافت و روشنایی (که عاملی برای دفع کثافات است) و تهویه‌ی دائم و فراوان باشد عمل صحیحی انجام شده است. (صالحی: ۱۹)

در اسلام بر مراعات بهداشت و پاکیزگی تأکید فراوان شده است. طبیعتاً نظافت و بهداشت مسجد از اهمیتی ویژه برخوردار است. احادیث و روایات نیز بیان‌گر این اهمیت است. در حدیث آمده است:

«من کنس مسجدا لیلۃ الجمعة فاخرج منه التراب ما یضر فی العین عفو له».

«کسی که روز پنج‌شنبه (شب جمعه) مسجدی را جارو کند، پس به اندازه‌ی یک ذره‌ی خاک که اگر در چشم رود، ضرر می‌رساند، از مسجد خارج شود، خداوند او را می‌آمرزد».

چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟ جدا از آنچه بیان شد حال این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟ و با توجه به روحیات حساس این گروه چه نکاتی مهم باید مدنظر قرار گیرد؟

نوجوانان، از هر ملت و نژاد، به‌طور فطری خواهان معرفت الهی و سجایای اخلاقی هستند. این خواهش عمیق و طبیعی سبب شده است که دانشمندان روان، دوران بلوغ را سنین ماورای طبیعت بنامند و در مباحث روان‌شناسی جوان، مستقلاً درباره‌ی آن گفت‌وگو کنند.

تمایل فطری جوانان به مذهب آن‌قدر شدید است که همه‌ی روان‌شناسان می‌گویند:

«بین بحران تکلیف و جهش‌های مذهبی، ارتباط انکارناپذیری دیده می‌شود، حتی کودکانی که در خانواده‌های دور از مذهب و ایمان پرورش یافته‌اند، در دوران بلوغ علاقه‌ی بیشتری از خود به مسائل مذهبی نشان می‌دهند». (فلسفی: ص ۳۳۷)

استانلی هال معتقد است که نوجوانان در حدود پانزده سالگی حداکثر احساسات دینی را دارا هستند، زیرا با گرایش به طرف دین و اعتقادات مذهبی می‌خواهند تلاطم نابه‌سامانی‌های خود را تخفیف دهند. (خدایاری ۱۳۷۲: ۳۴)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مذهب عامل آرامش دل و رضای روح است و فرد را از تشویش‌ها، اضطراب‌ها و ترس‌ها نجات می‌دهد و برضد همه‌ی قدرت‌ها عصیان می‌کند، در درون متوجه ضعف‌ها و حقارت‌های خود است؟ عظمت، قدرت و دوام خود را در مذهب می‌بیند، فلسفه‌ی زندگی و حیات خود را در مذهب جست‌وجو می‌کند و در آن معنایی برای زندگی خویش می‌یابد. (خدایاری ۱۳۷۲: ۳۴)

دکتر محمد رضا شرفی عقیده دارد:

«در دوران بلوغ، نوجوان، توجهش به مسائل ماوراءالطبیعی بیدار می‌شود»

و علاقه‌مند است که در باره آن سوی پرده‌ی طبیعت آگاهی یابد و افکارش از پوسته‌ی هستی بگذرد، آن را بشکافد و از دنیای معنویات، جهان آخرت، ایده‌آل‌های اخلاقی و زهدگرایی، با خبر شود. از نظر قلبی و احساسی نیز تمایل او به زیبایی‌های معنوی برانگیخته می‌شود و مصداق کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله واقع شود که فرمود:

آن‌ها قلبی فضیلت‌پذیر و دلی رقیق‌تر و حساس‌تر دارند، خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم، جوانان و نوجوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قول دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم برخاستند. آن‌گاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به آیه‌ای از قرآن اشاره کرد و درباره‌ی

مردم
کهنسال که مدت زندگی آن‌ها به درازا کشیده و دچار قساوت و سخت‌دلی شده‌اند، سخن گفته است». (شرفی: ۱۳۷۰: ۳۲۹)

حال که نوجوان به واسطه‌ی تمایلات فطری چنین آمادگی را داراست، برنامه‌ریزان جامعه باید برای هدایت این نسل چاره‌اندیشی کنند و مساجد به عنوان پایگاه‌های معنوی نقش خود را ایفا کنند:

يك روحانی خوش‌فکر و آگاه می‌تواند الگوی مطلوبی برای نوجوانان باشد و او را در مسیر دین هدایت نماید. او باید شرایط نوجوان را درك کند و به دور از هرگونه افراط و تفریط عمل کن؛ چرا که احساس مذهبی و نیایش و پرستش، مانند سایر تمایلات طبیعی باید تعدیل شود و با اندازه‌گیری صحیح اعمال گردد. همان‌طور که تندروری در ارضای خواهش‌های جنسی یا حب مال و مقام ناپسند است، زیاده‌روی در ارضای خواهش مذهبی نیز در مکتب اسلام نامطلوب شناخته شده و اولیای گرامی اسلام، در این باره میانه‌روی را اکیدا توصیه کرده‌اند. (فلسفی: ۳۹۱ و ۳۹۲)

بنابراین برای ارضای تمایل ایمانی نوجوانان و استفاده از احساس مذهبی آنان، دو نکته باید همواره مورد کمال توجه باشد. یکی آن‌که احساس مذهبی آنان به راه درست هدایت شود و دیگر آن‌که با وسایل علمی و عملی موجبات پرورش آن فراهم آید. (فلسفی: ۳۶۸)

در مجموع به این نتیجه باید رسید که اگر می‌خواهیم جوانان و بزرگسالانی علاقه‌مند به حضور در مساجد داشته باشیم، باید روی نوجوانان سرمایه‌گذاری کنیم و این فرمایش رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله را به یاد داشته باشیم که فرموده‌اند:

«به شماها درباره‌ی نوجوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آن‌ها

دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند».

و نیز فرموده گهربار مولای متقیان امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه‌السلام که رهنمودی ارزشمند فراروی ماست:

«فرزندم! در دوره‌ی نوجوانی به تربیت و ادب تو پرداختم، قبل از آن‌که

قساوت و سختی - در دوران پیری - قلبت را فرا گیرد».^۱

برنامه‌ریزی

بدون تردید می‌توانیم مسجد را در قالب يك سازمان به حساب آوریم که نیازمند برنامه‌ریزی است. در حقیقت:

«برنامه‌ریزی اساسی‌ترین وظیفه در میان وظایف مدیریتی است.

دیگر وظایف مدیریتی یعنی سازمان‌دهی، رهبری و کنترل، هدف‌هایی را

پی‌می‌گیرند که در فرآیند برنامه‌ریزی پی‌گیری شده است».

(قوامی: ۱۲۸۳، ۳۴۳)

بنابراین همه‌ی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها باید برای فعالیت‌های خود برنامه‌ریزی کنند تا بتوانند به خواسته‌های خود جامه‌ی عمل ببوشانند و بی‌تردید اگر بخواهیم مساجد ما در ادای وظایف خود موفق عمل کنند، باید نیاز به برنامه‌ریزی را در آن‌ها تقویت کنیم. چرا که در دنیای پیچیده و در حال تحول امروز بدون برنامه‌ریزی، دستیابی به نتایج مطلوب تقریباً غیرممکن است. نکته‌ی اساسی که در برنامه‌ریزی مساجد باید مدنظر قرار گیرد این است که مسجد باید برای هر گروه سنی و سلیقه و جمعیتی برنامه‌ریزی مناسب داشته باشد.

^۱ . بخشی از نامه‌ی امام علی علیه‌السلام .

«برای هر يك از کودکان، بزرگسالان، دانشجویان، جوانان و غیره باید برنامه‌ای خاص داشت. برای آنها که اهل دعا هستند، برنامه‌ی دعا، برای آنها که اهل کتاب هستند، کتابخانه و برای جوانان آنچه مناسب سلیقه‌ی جوانان است، برنامه‌ریزی شود». (مکارم شیرازی: ۵)

امام جماعت و هیئت امنای مساجد باید با در نظر گرفتن همه‌ی امکانات، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌هایی که در مسجد وجود دارد، برنامه‌ی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت را طراحی و با بهره‌گیری از مشورت افراد صاحب نظر یا دست اندرکاران سایر مساجد که موفقیت‌های چشمگیری در کار خود داشته‌اند، برنامه‌های خود را در صورت ضرورت، تعدیل و اصلاح و سپس به مرحله‌ی اجرا درآورند.

موسی مرتضی‌پور در گزارشی از فعالیت‌های بخش فرهنگی مسجد الرضا تهران که در شماره‌ی سوم مجله‌ی تربیت سال دوازدهم منتشر شده و موفقیت بسیار نیکویی در جذب نوجوانان و جوانان به سوی این پایگاه معنوی داشته است، به يك نکته‌ی حالب و مهم که در حقیقت از رموز اصلی موفقیت این مسجد است، اشاره می‌کند و از قول مسؤول واحد فرهنگی این مسجد می‌نویسد:

«تمامی فعالیت‌های این مسجد براساس برنامه‌ریزی است و همه برنامه‌ها پس از بررسی توسط هیئت امنای مسجد تصویب و برای اجرا به مسؤولان بخش‌های مختلف واگذار می‌شود و اعضای هیئت امنای بر روند اجرای این برنامه‌ها نظارت دارند. این مطلب بیانگر این نکته‌ی مهم است که اگر برنامه‌های مساجد به صورت تشکیلاتی طراحی و اجرا شود مفید واقع می‌شود و می‌توان از همه ظرفیت‌های موجود برای پیش‌برد اهداف مورد نظر استفاده کرد».

تکریم نوجوانان و جوانان

در آیین اسلام بر تکریم نوجوانان تأکید بسیار شده است. خانواده، مدرسه، اجتماع همه و همه باید فضایی برای تکریم و احترام آنها باشد، به ویژه مسجد که از تقدس و موقعیتی خاص برخوردار است. ارضای نیاز به احترام و عزت نفس به احساساتی نظیر اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، موفقیت، کفایت، شایستگی، کسب اعتبار و حیثیت و مفید و مثمر بودن در جامعه منتهی خواهد شد که البته همه‌ی این‌ها مبتنی بر رفتار مسؤولانه‌ی نوجوان است که استحقاق احترام را داشته باشد و نه براساس تعریف و تمجیدهای ظاهری و بی‌مورد. اگر متولیان مساجد به این نکته توجه نمایند، گامی بزرگ در مسیر جذب کودکان و نوجوانان و جوانان برداشته‌اند. فضای توأم با احترام و تکریم انسان را به سوی خود می‌کشد. حتی گاهی در مسجد خطاهایی از نوجوان سر می‌زند که باید تا تذکرات صمیمانه و در خفا او را متوجه اشتباهش کرد تا به مقاومت و عناد کشیده نشود. مخصوصاً در باره جوانان که حساسیت دارند و موعظه باید کوتاه و بلیغ و سنجیده و با اوضاع و شرایط فکر او مناسب باشد و هم‌چنین در عین نرمی و مدارا گام به گام باشد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«مدارا کردن کلید موفقیت است».

مسؤولیت‌سپاری

از دیگر عواملی که زمینه‌ی جذب افراد و جوانان را به مساجد فراهم می‌آورد، دادن مسؤولیت موردنظر به آنان است، اگر افراد احساس مشارکت کنند برای رسیدن به اهداف موردنظر همکاری صمیمانه‌ای خواهند داشت. برقراری بستر لازم برای مشارکت نوجوانان و جوانان در ابعاد گوناگون همراه با نظارت لازم می‌تواند نه فقط آنان را به سوی مسجد بکشد، بل زمینه‌ی ارتقای شخصیت و رشد آنان را فراهم آورد و موجب بالا بردن میزان موفقیت مساجد شود. اگر نوجوانان و جوانان در تصمیم‌گیری‌ها دخیل باشند و از توان آنها به ویژه

به صورت گروهی بهره گرفته شود، همین امر می‌تواند زمینه‌ی تقویت روحیه‌ی اجتماعی، مسؤولیت‌پذیری و اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش دهد و در آینده نیز مؤثر واقع شوند.

تشویق

یکی از عوامل و ابزارهای جذب نوجوانان و جوانان در زمینه‌های گوناگون از جمله حضور در مساجد تشویق است.

همه‌ی انسان‌ها حتی بزرگسالان، تا آخر عمر نیاز به تشویق دارند. تشویق موجب رغبت و دلگرمی و نشاط و تحرك می‌شود و انسان را به جدیت وادار می‌کند. انسانی که مورد تشویق قرار گیرد و احساس آرامش و رضایی خاطر و اعتماد به نفس می‌کند و برای جدیت بیشتری و تحمل دشواری‌ها آماده گردد. برعکس، اگر مورد نکوهش یا ناسپاسی قرار گرفت دلسرد و بی‌رغبت می‌شود و احساس حقارت و ضعف می‌کند، به گونه‌ای که توان خویش را از دست می‌دهد و نمی‌تواند حتی از استعدادهای موجود خویش نیز استفاده کند. (امینی: ۱۳۵)

تشویق نوجوانان و جوانان نمی‌تواند منحصر به افراد یا نهاد خاصی باشد. یعنی اگر فقط خانواده چنین کاری را انجام دهد، تأثیر مطلوب و کامل را نخواهد داشت. بل باید همه عواملی که به نوعی با نوجوانان و جوانان مرتبط هستند، به این نکته‌ی اساسی توجه داشته باشند. تشویق را نمی‌توان منحصر به دادن جایزه دانست، بل برخوردها و فضای ایجاد شده توسط دیگران نیز مشوق خوبی برای نوجوانان و جوانان است. البته لازم است در تشویق افراد به گونه‌ای عمل کرد که تأثیر مطلوب و ماندگاری داشته باشد.

استاد ابراهیم امینی در جلد دوم کتاب اسلام و تعلیم و تربیت درباره‌ی تشویق چنین می‌گوید:

- ۱ - اخلاق و رفتار نیک فرد مورد ستایش قرار گیرند نه خود او؛
- ۲ - تشویق به صورت جزئی و واقعی باشد نه به صورت کلی و بیش از حد؛
- ۳ - گاهگاه در برابر کارهای ممتاز باشد نه به صورت دائم و برای هر کار؛
- ۴ - در تشویق نباید دیگری را مورد انتقاد و مقایسه قرار داد؛
- ۵ - زیاده‌روی در تشویق موجب غرور و خودبزرگ بینی می‌شود؛
- ۶ - تشویق با ارزش کار فرد و متناسب باشد؛
- ۷ - پاداش در برابر فعالیت‌های او انجام شود نه در برابر موهبت‌های ذاتی او؛
- ۸ - در تشویق نباید اغراق کرد.

اگر در مسجد مسؤولیت‌هایی به نوجوانان و جوانان سپرده می‌شود، در کنار آن باید ارزش زحمات و کارهای مفیدشان را نیز درك کرده از آنان و تشکر و قدردانی کرد. در این سنین افراد نیاز دارند که اطرافیان بیشتر رفتارهای مناسبشان را ببینند و مورد توجه و قدردانی قرار گیرند. در غیر این صورت ممکن است دچار یأس و ناامیدی شوند و از ادامه‌ی فعالیت و تلاش سر باززنند.

پیشنهادها

با توجه به آنچه در این مقاله آمد راه‌کارهایی برای جذب مردم به ویژه نوجوانان و جوانان به سوی مساجد پیشنهاد می‌شود.

۱) مرکز نظارت و رسیدگی به امور مساجد کشور شرایطی برای انتخاب هیئت امنای مساجد تعیین تا به مرور امکان اصلاح ساختار هیئت امنای مساجد فراهم آید.
۲) حداقل هر سه ماه یک بار در جلسه‌ای از مردم به ویژه نسل جوان در خصوص برنامه‌های مسجد نظرخواهی و پیشنهادهای آنان به منظور بهبود کیفیت کار و عملکرد مسجد، مورد بررسی و مذاقه می‌شود.

۳) با توجه به نقش مؤثر آموزش در بالا بردن سطح آگاهی‌ها و تغییر نگرش افراد و در هر شهرستان به فراخور شرایط فرهنگی و جغرافیایی برنامه‌های آموزشی ویژه‌ی هیئت امنای و خادمان و دست‌اندرکاران مساجد به اجرا درآید.

۴) ائمه جماعت مساجد باید نظارت بیشتری بر عملکرد دست‌اندرکاران مساجد داشته باشند و فضایی فراهم کنند که مسائل و مشکلات موجود نقد و بررسی شود و در مجموع با ایجاد شرایطی مطلوب، زمینه‌ی هماهنگی همه عوامل را فراهم آورند.

۵) در تحقیقات انجام شده از جمله عوامل مهمی که نقشی تعیین کننده در جذب نسل جوان دارد، امام جماعت مسجد و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری وی در برخورد با نمازگزاران است. بنابراین، دقت در انتخاب امام جماعت با ویژگی‌های خاص (خوش‌رفتاری با جوانان، برخورداری از تقوای کافی و مانند آن) از نکات مهمی است که مرجع اعزام کننده باید مورد نظر قرار دهد. (ضرابی: ۳۳)

۶) ارتباط بین مدارس و مساجد تأثیر بسیار در جذب نوجوانان و جوانان به سوی این پایگاه‌های معنوی دارد. مدارس می‌توانند دانش‌آموزانی را که آمادگی علمی و مذهبی دارند

به مساجد معرفی و مساجد نیز به صورتی جذاب مانند ارسال دعوت‌نامه برای آنان زمینه‌ی حضور آنان را در مساجد فراهم آورند.

همچنین استفاده از وجود فرهنگیان و معلمان متعهد و توانمند و دلسوز در مجموعه‌ی هیئت امنای یا به عنوان مربی می‌تواند زمینه‌ساز حضور بیشتر دانش‌آموزان در مساجد باشد.

۷) اجرای برنامه‌ها و برگزاری کلاس‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی در رشته‌های گوناگون و دعوت از مربیان علاقه‌مند و با تجربه و برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی با مراعات موازین شرعی در جذب نوجوانان و جوانان مؤثر است.

۸) رفع مشکلات مربوط به بهداشت و نظافت مسجد و مراعات طهارت و نظافت این مکان مقدس به صورت مداوم از جمله پاکیزگی فرش‌ها، در و دیوار و محوطه تا از بروز تنفر و دوری مردم پیشگیری شود. همچنین رسیدگی به امکانات سرمازا و گرم‌آزا فضای مطبوعی برای حضور آنان فراهم می‌آورد.

۹) تأسیس کتابخانه با توجه به نیازهای مخاطبان و علاقه‌مندان؛ وجود فضای مناسب و انتخاب کتاب‌های جذاب و متناسب با خواست نوجوانان و جوانان از جمله راه‌های جذب کودکان و نوجوانان است.

۱۰) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور مسؤولان محلی و براساس يك برنامه‌ریزی منظم، امکان ارتباط بیشتر مردم با مساجد را فراهم می‌آورد.

۱ - افروز، غلام علی (۱۳۷۱): روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان؛ (چاپ سوم) تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

۲ - امینی، ابراهیم (۱۳۷۳): اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.

۳ - خدایاری فرد، محمد (۱۳۷۳): مسائل نوجوانان و جوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان.

۴ - رضایی، علی (۱۳۸۲): جایگاه مساجد در فرهنگ دینی، قم، مؤسسه‌ی فرهنگی ثقلین.

۵ - شرفی، محمدرضا (۱۳۷۰): دنیای نوجوان، تهران، انتشارات تربیت.

۶ - فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۹): جوان از نظر عقل و احساسات، (چاپ دوم) تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۷ - قرائتی، محسن (۱۳۶۸): راز نماز برای جوانان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۸ - قوامی، صمصام‌الدین (۱۳۸۳): مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، دبیرخانه‌ی مجلس خبرگان رهبری.

۹ - کردستانی، عباس (۱۳۸۳): عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان.

فصل‌نامه‌ی پژوهشگران فرهنگ، سال دوم، شماره‌ی ۸، پاییز ۱۳۸۳.

۱۰ - مطهری، مرتضی (۱۳۶۶): گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا.

۱۱ - مرتضی‌پور، موسی: مجله‌ی تربیت، شماره‌ی ۳، سال دوازدهم.

۱۲ - مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱): کاوشی در راه‌های عملی ایجاد جاذبه برای مساجد، قم، فصل‌نامه‌ی مبلغان، شماره‌ی ۱۳، ذی‌قعدة‌ی ۱۴۲۱، ه. ق.

۱۳ - نبوی، محمدحسن (۱۳۸۳): فعالیت‌های فرهنگی مساجد، قم، فصل‌نامه‌ی مبلغان، شماره‌ی ۵۸، شهریور ۱۳۸۳.

۱۴ - نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۲): رفتارهای بهنجار و نابهنجار، (چاپ سوم) تهران، انجمن اولیاء و مربیان.